

پرخاشگر تر از زنان هستند

قدرت، اشکال گوناگونی از جمله قاطعیت، پرخاشگری، رقابت و رهبری دارد ...



قدرت، اشکال گوناگونی از جمله قاطعیت، پرخاشگری، رقابت و رهبری دارد. در ذیل به تفاوت های زن و مرد در مورد هر یک می پردازیم. #171؛ مک کویی؛ و #171؛ جاکلین؛ معتقدند که پرخاشگری در شخصیت و رفتار اجتماعی فرد ریشه دارد و در بروز آن تفاوت های جنسی بارزی دیده می شود. این یافته شامل انواع رفتارهای پرخاشگرانه و حتی پرخاشگری کلامی نیز می شود. شواهد نشان می دهد بسیاری از جنایات توسط مردان صورت گرفته است. لیکن این امر شامل زنان هم می شود مع الوصف براساس تحقیقات انجام شده مردان رفتارهای پرخاشگرانه تری نسبت به زنان دارند.

میزان و درجه قاطعیت در زنان و مردان در بیشتر موقعیت های زندگی واقعی آنان متفاوت است ولی به طور کلی می توان گفت قاطعیت در زنان در مقایسه با مردان کمتر و حالت های انفعالی آنان بیش از مردان است.

#171؛ فرودی؛، پرخاشگری بارز میان زن و مرد را در چهار مورد دسته بندی کرده است:

1) مردان رفتارهای پرخاشگرانه بدنی را به مراتب بیش از زنان بروز می دهند. این امر در گزارش های آنان در زمینه رؤیاهای هدف ها و رفتارها و عادات آنها به کرات شنیده شده است. براساس تحقیقات، پرخاشگری، بیشتر یک ویژگی مردانه است تا زنانه؛ بنابراین مردان می کوشند خود را با الگوهای مردانه وفق دهند. تحقیقی که به مدت 32 سال از 1932 تا 1965 در برخی کشورها انجام گرفته، نشان داده است که مردها همیشه از زن ها پرخاشگرترند. تنها موردی که زن ها پرخاشگری بیشتری نشان می دهند عبارت است از پرخاشگری کلامی. بدین معنا که زن ها زمانی که عصبانی می شوند و حالت پرخاشگری به آنها دست می دهد بالنسبه بیشتر از مردها به فحاشی و دشنام دادن می پردازند.

2) مردان و زنان تقریباً به طور یکسان خشونت و شوخی های خصمانه را تأیید می کنند.

3) زنان بیشتر از مردان، درباره پرخاشگری احساس گناه و پشیمانی می کنند و همین احساس موجب می شود تا از اعمال پرخاشگرانه به دور باشند.

4) زنان بیشتر از مردان نسبت به قربانیان پرخاشگری همدلی می کنند و از آنجایی که در همدردی و همدلی قوی تر از مردان هستند بنابراین بیشتر می توانند خود را در موقعیت فرد صدمه دیده قرار دهند و با او همدلی کنند. بنابراین مردان به طور جدی پرخاشگرتر از زنان هستند؛ اما اگر در موقعیت هایی زنان احساس گناه و همدلی نکنند می توانند به اندازه مردان پرخاشگر باشند.

درباره علل پرخاشگری بیشتر مردان نسبت به زنان، دلایل مختلفی ارائه شده است که دارای مبنای زیستی و توجیه های هورمونی است که از بین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1) بین کروموزوم Y و هورمون آندروژن رابطه ای دیده شده است. تحقیقات دیگری در مورد مردان دارای پرخاشگری غیرعادی، نشان داده است که برخی از این افراد دارای یک کروموزوم Y اضافی بوده و ساختار کروموزومی آنها به صورت (XYY) است.

مدیران مرد دقت بیشتری صرف رفتارهای مدیر مانند پند و اندرز دادن و یا ایراد گرفتن می کنند و مدیران زن وقت بیشتری را به بالا بردن روحیه همدلی میان اعضای گروه اختصاص می دهند.

از طرف دیگر گفته شده وجود کروموزوم Y اضافی را نمی توان دلیلی بر ذاتی بودن پرخاشگری در جنس نر دانست چنان چه مشخص شده است وجود کروموزوم Y اضافی سبب افزایش و درشتی اندام می شود، اما چه بسا وجود اندام قوی و قد بلند از نظر اجتماعی سبب ممتاز شدن این افراد از نظر نیروی بدنی و در نتیجه، مثلاً استخدام آنها در شغلی مانند نگهبان زندان و یا کارهایی که پرخاشگری را ایجاب می کند باشد. بدون تردید عده زیادی از افراد دارای کروموزوم اضافی را می توان یافت که حالت پرخاشگری غیر عادی ندارند و یا بسیار پرخاشگرانی را می توان پیدا کرد که فاقد کروموزوم Y اضافی باشند.

2) پسران خردسال بیشتر از دختران خردسال به بازی های خشونت آمیز علاقه نشان می دهند و شاید این امر یک علت اجتماعی داشته باشد که پرخاشگری را حق مسلم پسرها می داند و دخترها را از این کار منع می کند و گاهی اوقات والدین علاوه بر تحمل پرخاشگری پسرها، آنها را تقویت نیز می کنند و در مقابل، دخترها را به مطیع بودن وادار می کنند.

3) مطالعات بین فرهنگی نشان می دهد در بسیاری از کشورها، مردان پرخاشگرتر از زنانند.

هر چند عوامل محیطی و اجتماعی تأثیر و رابطه مستقیم با پرخاشگری دارد ولی مسایل اجتماعی نمی تواند تنها دلیل پرخاشگری باشد. بنابراین پدیده پرخاشگری باید یک ریشه زیستی هم داشته باشد.

براساس تحقیقات انجام شده در مورد علل پرخاشگری سه عامل زیر می توانند مؤثر باشند:

الف- تمایز اولیه مغز در جهت الگوی شر بودن

ب- میزان هورمون های خون، مخصوصاً آندروژن ها

ج- رویدادهای خاص محیط زندگی

قاطعیت

قاطعیت ، عبارتست از توانایی و ایستادگی فرد برای دریافت حق خود، بدون زیر پا گذاشتن حقوق دیگران. قاطعیت معنایی درست در نقطه مقابل پرخاشگری دارد چرا که در پرخاشگری برعکس قاطعیت، حقوق طرف مقابل مورد تجاوز قرار می گیرد. به طور کلی دختران منفعل تر از پسران عمل می کنند و پسران بیشتر به روش های پرخاشگرانه گرایش دارند. به موازات رشد، افراد نسبت به قاطعیت¹⁷¹؛ نگرشی بسیار مثبت پیدا می کنند و آن را سودمندترین راهکارها می یابند. میزان و درجه قاطعیت در زنان و مردان در بیشتر موقعیت های زندگی واقعی آنان متفاوت است ولی به طور کلی می توان گفت قاطعیت در زنان در مقایسه با مردان کمتر و حالت های انفعالی آنان بیش از مردان است. روی کرد قاطعیت به مراتب سازنده تر از رویکرد انفعالی است و روی کرد پرخاشگری مخرب نیز نیست.

رقابت

در زمینه رقابت و تفاوت های آن در دو جنس ، یافته های متفاوتی ارائه شده است. در بعضی پژوهش ها هیچ گونه تفاوتی در رقابت بین زن و مرد دیده نمی شود و در بعضی دیگر رقابت در پسران بیش از دختران گزارش شده است. وقتی مردم خود را در برابر یک جمع می یابند نگران چگونگی مواجهه خود با آن جمع اند و معتقدند که باید به گونه ای رفتار نمایند که قابل قبول به نظر آیند و زنان بیشتر نگران قضاوتی هستند که در مورد آنها می شود ؛ بنابراین ملایم تر و مطیع تر رفتار می کنند.

رهبری و مدیریت

پژوهش های انجام شده توسط اسکلیسون و همکاران نشان داد بین مدیریت و رهبری مردان و زنان تفاوت هایی وجود دارد. آنها دریافتند از نظر درصد زمانی که مدیران زن و مرد صرف می کنند و یا سرعت حل مسایل گروه ، تفاوت قابل ملاحظه ای میان آنها نیست ولی در رهبری و شیوه ی مدیریت آنها تفاوت هایی دیده می شود. مدیران مرد دقت بیشتری صرف رفتارهای مدیر مانند پند و اندرز دادن و یا ایراد گرفتن می کنند و مدیران زن وقت بیشتری را به بالا بردن روحیه همدلی میان اعضای گروه اختصاص می دهند. هم چنین زنانی که به دلیل توانمندی هایشان به عنوان مدیر برگزیده شده اند به عنوان زنان برجسته و برتر عمل می کنند و ترکیبی از شیوه های مدیریتی مردانه و زنانه را به کار می برند.

ترغیب و قانع سازی

شخص قدرتمند می تواند دیگران را درباره موضوعی گاه مغایر با اعتقاد اصلی شان قانع سازد. کسی که انگیزه قدرت در وی قوی است قادر است در احساسات و افکار دیگران نفوذ نماید. حال باید دید آیا میان زن و مرد در نوع راهبردهایی که در قانع ساختن دیگران به کار می برند، تفاوت وجود دارد؟
جانسون در پژوهش هایش تفاوت میان زن و مرد را در راهبردهایی که به کار می برند در سه زمینه زیر بیان می کند:

1- قدرت غیر مستقیم در برابر مستقیم

زنان دارای قدرت غیر مستقیم، و مردان دارای قدرت مستقیم هستند.

2- قدرت شخصی در برابر قدرت عینی و محسوس.

به نظر می رسد زنان از قدرت شخصی مانند دوست داشتن، محبت و تأیید استفاده می کنند در حالی که مردان از قدرت عینی مانند پول و قدرت بدنی بهره می گیرند.

3- بی پناهی در برابر شایستگی

زنان گاه با راهبرد بی پناهی دیگران را قانع می کنند. برای نمونه هنگام پنچر شدن لاستیک اتومبیل ، کنار جاده ، با بی پناهی به اتومبیل خود تکیه زده و منتظر کمک می ایستند ؛ در حالی که مردان از شایستگی خود هر چند اندک به عنوان یک راه برد ترغیب و قانع سازی بهره می گیرند.

نفوذ پذیری

در برابر هر شخصی که توانایی قانع سازی دارد، باید فردی نفوذپذیر نیز وجود داشته باشد. روان شناسان اجتماعی بر این باورند که زنان به مراتب بیش از مردان نفوذ پذیرند و تفاوت در میزان نفوذ پذیری آنها از نظر آماری معنی دار است. زنان به ویژه در موقعیت هایی که زیر فشار دیگر اعضای گروه باشند، آسان تر از مردان تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر عقیده می دهند.¹⁷¹؛ در زمینه نفوذ پذیری و به عبارتی همنوایی ، آزمایشی انجام داده که معروف است . آزمایش¹⁷¹؛ بدین شرح است:

یک دانشجوی پسر دانشگاه داوطلب شده است تا در یک کار تحقیقی نقش آزمودنی را به عهده گیرد. در این تحقیق که یک آزمایش ادراک دیداری است او به همراه چند نفر دیگر (که در واقع هم دستان آزمایشگرند) دور میزگردی می نشیند، به اعضای گروه یک خط عمود نشان داده می شود و بعد از آنها خواسته می شود که بگویند کدام یک از سه خط عمود دیگری که به آنها نشان داده می شود برابر با خط قبلی است (هر سه خط مقایسه و خط اصلی همزمان به آزمودنی نشان داده می شوند یکی از این خطوط از نظر طول برابر با طول خط اول است و خط های دیگر از نظر تفاوت با آن طوری هستند که اختلاف با آنها کاملاً بارز است). در این آزمایش از افراد خواسته می شود انتخاب خود را با صدای بلند و یکی یکی به نوبت بیان کنند. آزمودنی واقعی طوری نشسته که همیشه نفر ما

قبل آخر است. بدین ترتیب این تصور در آزمودنی شکل می گیرد که کار بسیار ساده است. همین عمل در چندین کوشش بعدی نیز تکرار می شود. سپس در یک کوشش که در آن نیز انتخاب مانند انتخاب های دیگر ساده و روشن است، نخستین هم دست آزمایشگر پاسخی را می دهد که آشکارا غلط است یعنی کوتاه ترین خط را برابر با خط X معرفی می کند. و همه هم دستان دیگر هم همین کار را انجام می دهند و پاسخ آشکارا غلط را انتخاب می کنند. وقتی که نوبت پاسخ به آزمودنی واقعی مورد نظر می رسد و همه آزمودنی های قبلی پاسخی غلط را انتخاب کرده اند او چه خواهد کرد؟ آیا به عقیده خود پای بند می ماند، و یا با دیگران همنا شده و نظر آنها را می پذیرد؟ این شیوه ای بود که در یک رشته آزمایش توسط «اش؛« انجام شد.

براساس تحقیقات ، پرخاشگری ، بیشتر یک ویژگی مردانه است تا زنانه ؛ بنابراین مردان می کوشند خود را با الگوهای مردانه وفق دهند.

یکی از یافته های «اش؛« در زمینه همنوایی تفاوت های بین دو جنس زن و مرد بود.«اش؛« مشاهده کرد در آزمایش هایی که مواجهه ، رو به رو بود و فرد می بایست به طور علنی با جمع مخالفت کند تفاوت های بین دو جنس ظاهر می شد. یعنی وقتی در آزمودنی ها این باور را به وجود می آوردند که دارند آنها را مشاهده می کنند، زنان بیشتر همنوایی می کردند تا زمانی که پاسخ آنها در یک موقعیت خصوصی تر و بدون مشاهده شدن اعلام می شود. ایگلی معتقد است وقتی مردم خود را در برابر یک جمع می یابند نگران چگونگی مواجهه خود با آن جمع اند و معتقدند که باید به گونه ای رفتار نمایند که قابل قبول به نظر آیند و زنان بیشتر نگران قضاوتی هستند که در مورد آنها می شود ؛ بنابراین ملایم تر و مطیع تر رفتار می کنند.

منبع:مقدمه ای بر روان شناسی ازدواج